



The Effects of Goods and Services Tax on Inflation in Iranian Economy

Mostafapour, Y.¹; Shamsolahi, R.²; Asayesh, H.³

Type of Article: **Research**

 10.22126/PSE.2023.9600.1057

Received: 09 September 2023; Accepted: 10 December 2023

P.P: 293-312

Abstract

Goods and services tax has attracted the attention of many countries due to the consumption of the tax base, low identification costs, easy access, and no inefficiency in the production sector and no pressure on this sector. Despite the benefits, the main challenge of receiving taxes on the sale of goods and services is the effects of possible inflation of the implementation of these types of taxes. Therefore, in this research, it has been tried to investigate and study the effect of tax on the sale of goods and services on inflation. For this purpose, we used the data of the years 1978-2020 the ARDL and ECM methods. Based on the obtained results, the tax with a break led to an increase in inflation and its effect was about 0.05%. In fact, the imposition of goods and services tax has acted through cost pressure and has caused an increase in the price level. However, its effect on the increase in inflation has been small compared to other investigated variables. According to the obtained results, the most anti-inflationary effect was related to the production variable, followed by the interest rate. And liquidity has shown the greatest impact on inflation. In addition, exchange rate variables and economic sanctions have also led to an increase in inflation during the investigated period.

Keywords: Goods and Services Tax, Inflation, Iran's Economy.

JEL Classification: E31, E62, C51.

1. PhD in Economics, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

Email: y.mostafapor@yahoo.com

2. Master of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran.

Email: reza.shamsolahi72@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran.

Email: hamid.asayesh@abru.ac.ir



تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم در اقتصاد ایران

یلدا مصطفی پور^۱، رضا شمس‌اللهی^۲، حمید آسایش^۳

نوع مقاله: پژوهشی

doi: 10.22126/PSE.2023.9600.1057

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

صص: ۲۹۳-۳۱۲

چکیده

مالیات بر فروش کالا و خدمات، به دلیل مصرفی بودن پایه مالیاتی، هزینه‌های پایین شناسایی، سهل الوصول بودن، عدم ایجاد ناکارایی در بخش تولید و عدم فشار بر این بخش، در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این منافع، چالش اصلی دریافت مالیات بر فروش کالا و خدمات آثار تورم احتمالی اجرای این نوع مالیات‌هاست. در این پژوهش سعی شده است تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم در اقتصاد ایران بررسی و مطالعه شود. برای این منظور از داده‌های سال‌های ۱۳۵۷-۱۴۰۰ و با بهره‌گیری از الگوی اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مالیات با یک وقفه منجر به افزایش تورم می‌شود و میزان اثرگذاری آن حدود ۰/۰۵ درصد است. در واقع، وضع مالیات بر فروش کالا و خدمات از طریق فشار هزینه عمل می‌کند و موجب افزایش سطح قیمت‌ها می‌شود؛ اما میزان اثرگذاری آن بر افزایش تورم، نسبت به سایر متغیرهای بررسی شده، اندک است. طبق نتایج به دست آمده، بیشترین اثر ضد تورم مربوط به متغیر تولید و بعد از آن نرخ بهره گزارش شده و نقدینگی بیشترین تأثیر بر افزایش تورم را نشان داده است. علاوه بر این، متغیرهای نرخ ارز و تحریم‌های اقتصادی نیز به افزایش تورم در طی دوره بررسی شده انجامیده است.

واژه‌های کلیدی: مالیات بر فروش کالا و خدمات، تورم، اقتصاد ایران.

طبقه بندی JEL: E31، E62، C51.

۱. دکتری اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول).

Email: y.mostafapor@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

Email: reza.shamsolahi72@gmail.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

Email: hamid.asayesh@abru.ac.ir

۱. مقدمه

مالیات‌ها در برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. مالیات‌ها ابزاری قدرتمند در سیاست‌گذاری‌های مالی دولت‌ها و یکی از اساسی‌ترین درآمدهای عمومی دولت‌ها شناخته می‌شوند و با توجه به ساختار سیاسی و اقتصادی هر کشور، تأثیرات متفاوتی بر متغیرهای اقتصاد کلان می‌گذارند (خانزادی و قادری، ۱۳۹۹). مالیات بخشی از درآمد افراد است که با هدف پرداخت مخارج عمومی در اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منابع اقتصادی کشور و بر اساس قوانین از سوی دستگاه‌های اجرایی مربوطه وصول می‌شود (Kalas et al, 2018). به عبارت دیگر، مالیات نوعی هزینه اجتماعی است که از سوی شهروندان به منظور ارائه خدمات عمومی دولت آموزش، بهداشت، امنیت و رفاه پرداخت می‌شود؛ بنابراین، مالیات نقش مهمی در فرایند و توسعه اقتصادی دارد (کریمی و دورباش، ۱۳۹۷). از آنجا که در اقتصاد ایران تکیه اصلی درآمد دولت‌ها در دهه‌های اخیر بر نفت بوده است، از یک سو تحریم‌های نفتی و اقتصادی و از سوی دیگر نوسانات قیمت و ناطمینانی آن دولت‌ها را در اجرای اهداف فوق با چالش‌های بسیاری مواجه ساخته است. در که درآمدهای مالیاتی تا حد بسیاری باثبات و تعدیل‌کننده خودکار محسوب می‌شود؛ بنابراین، در اقتصاد ایران درآمدهای مالیاتی می‌تواند به‌عنوان جانشین درآمدهای نفتی درآمد مطمئنی برای دولت‌ها شناخته شود (شکری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۲).

مالیات‌ها به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. مستقیم شامل مالیات بر دارایی، درآمد، ثروت، ارث، حق تمبر، درآمد املاک، درآمد حقوق، درآمد کشاورزی و اشخاص حقوقی؛ ۲. غیرمستقیم شامل مالیات بر فروش کالا و خدمات، ارزش افزوده، صادرات و واردات (Mahadianto et al, 2019). مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی که به صورت نرخ‌های تصاعدی بر درآمد مؤثر پس از سطوح معافیتی مشخص شده اعمال می‌شود، در صورتی که فرار مالیاتی نباشد، با اصل توان پرداخت مطابقت دارد. مالیات بر ثروت روی ثروت تجمعی افراد اعمال می‌شود و میزان دریافت تصاعدی مالیات در گروه‌های بالای درآمدی را افزایش می‌دهد (ملاسمعیلی دهشیری و همکاران، ۱۴۰۰). مالیات‌های غیرمستقیم چندین کاربرد دارد که مهم‌ترین آن افزایش درآمد دولت است. مالیات بر فروش کالا و خدمات و مالیات بر ارزش افزوده نقش مهمی در این زمینه دارند. تفاوت میان این دو مالیات این است که مالیات بر فروش توسط خریدار در لحظه خرید کالا یا خدمات نهایی پرداخت می‌شود؛ در حالی که مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی چندمرحله‌ای بر کالاها و خدمات است که جزء به جزء در هر مرحله از تولید و توزیع کالاها و خدمات، متناسب با ارزشی که توسط هر واحد مالیات‌پرداز به آن کالا یا خدمت اضافه شده، جمع‌آوری می‌شود. مالیات غیرمستقیم، علاوه بر بالا بردن درآمد دولت، در قالب تعرفه و عوارض واردات نیز وضع می‌شود که در تنظیم مقدار واردات و صادراتی که به داخل و خارج کشور می‌رود نقش دارد. در امر واردات، دولت با وضع تعرفه از تولیدکنندگان داخلی در مقابل تولیدکنندگان خارجی محافظت می‌کند؛ زیرا تولیدکنندگان خارجی ممکن است هزینه‌های تولید پایین‌تری داشته باشند و بتوانند کالاها و خدمات خود را به قیمت‌های پایین‌تری بفروشند و به این شکل، تولیدکنندگان داخلی را از بازار حذف کنند. پس از وضع تعرفه، کالاهای وارداتی برای خریداران داخلی آن گران‌تر می‌شود و به این ترتیب، تولیدکنندگان داخلی منتفع می‌شوند. مالیات‌های غیرمستقیم به‌دلیل فشار هزینه‌ای به

انتقال منحنی عرضه به سمت چپ (انتقال بار مالیاتی از تولیدکننده به مصرف‌کننده) منجر می‌شوند. به کارگیری این سیاست همانند دیگر اجزای ارزش افزوده مثل دستمزد و حاشیه سود، موجب افزایش قیمت کالاها و خدمات (تورم) می‌شود. افزایش سطح قیمت کالا و خدمات ناشی از مالیات‌های غیرمستقیم هم به کاهش درآمد واقعی مصرف‌کنندگان و کاهش مصرف آن‌ها منجر می‌شود. به این ترتیب، مالیات‌های غیرمستقیم تأثیر انقباضی در اقتصاد خواهند داشت. مالیات بر فروش کالا و خدمات مبلغی است که مصرف‌کنندگان کالاهای خاص در زمان خرید کالا ملزم به پرداخت آن هستند. روند این نوع مالیات به گونه‌ای است که هرچه میزان مصرف بالاتر باشد، مالیات پرداختی برای کالا نیز بیشتر است که به افزایش سطح عمومی قیمت کالا و خدمات منجر می‌شود. این مالیات در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و برای تأمین مخارج دولت رواج بیشتری دارد (Afolayan et al, 2021).

در مطالعات گوناگون تأثیر انواع مالیات بر ابعاد اقتصاد بررسی شده است؛ برای نمونه، چهرقانی و زراءنژاد (۱۳۹۸)، غفاریان کلاهی (۱۳۹۸) و سبحانیان و همکاران (۱۳۹۹) اثر مالیات بر ارزش افزوده روی رشد اقتصادی، نادری و سلاطین (۱۳۹۷) و ایزدخواستی و همکاران (۱۴۰۰) اثر مالیات بر ارزش افزوده روی توزیع درآمد، علیزاده و مطلبی (۱۳۹۵) اثر مالیات بر ارزش افزوده در اندازه دولت، و عزیزی و منصوری کاسوائی (۱۴۰۰) اثر مالیات بر ارزش افزوده روی تجارت را بررسی کرده‌اند. به‌رغم تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات از طریق مصرف و فروش کالاها و خدمات بر تورم، مطالعات داخلی این تأثیر را بررسی نکرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۴۰۰ است. در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) درصدد پاسخگویی به این سؤاَلیم که آیا مالیات بر فروش کالا و خدمات به افزایش تورم در اقتصاد ایران منجر شده است؟

ساختار مقاله به این شکل است که در بخش دوم مبانی نظری و در بخش سوم مطالعات تجربی ذکر شده است. بخش چهارم به معرفی متغیرها و روش‌شناسی اختصاص یافته است. در بخش پنجم یافته‌های تجربی مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها و در بخش پایانی هم بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مالیات بر فروش کالا و خدمات

مالیات بر فروش کالا و خدمات نوع خاصی از مالیات‌های غیرمستقیم است که به یک مؤسسه یا دستگاه به‌خاطر فروش کالا و خدماتی خاص پرداخت می‌شود؛ به این ترتیب که فروشنده اجازه دارد در پایانه فروش از مصرف‌کننده مالیات دریافت کند. به مفهومی دیگر، فروشنده از جانب دولت اجازه دارد که بودجه مورد نیاز برای مالیات را از مصرف‌کننده دریافت کند. مالیات بر فروش کالا و خدمات مخصوص کالاهایی است که به‌صورت خرده‌فروشی عرضه می‌شود و در همین مرحله نیز به دست مصرف‌کننده می‌رسد. در این نوع مالیات فروشنده می‌تواند مالیات را جدا از قیمت و مبلغ کالا حساب کند؛ به طوری که مصرف‌کننده به‌طور مشخص از مبلغ مالیات - که جداگانه حساب می‌شود - آگاهی کامل دارد.

۲-۲. اثر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم

مالیات بر فروش کالا و خدمات اثرات متفاوتی در اقتصاد به دنبال دارد که از مهم‌ترین آثار آن افزایش در قیمت کالا و خدمات تولیدشده و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت است. مالیات بر فروش کالا و خدمات، به دلیل افزایش فشارهای هزینه‌ای به انتقال منحنی عرضه به سمت چپ منجر می‌شود و بار مالیاتی را از تولیدکننده به مصرف‌کننده منتقل می‌کند. این نوع مالیات در دیگر اجزای ارزش افزوده مثل دستمزد و حاشیه سود موجب افزایش قیمت کالا و خدمات می‌شود. با توجه به واسطه یا نهایی بودن کالاها و خدمات، اثرات متفاوتی بر شاخص قیمت تولیدات بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد داشت. این افزایش قیمت‌ها بر بخش‌های دیگر اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود؛ با این حال، بالا بردن هزینه‌های واسطه‌ای تولیدات بخش‌های اقتصادی به افزایش سطح قیمت‌ها منجر می‌شود و در نهایت، اثر مالیات بر فروش کالا و خدمات به مصرف‌کننده نهایی منتقل می‌شود. به دنبال افزایش سطح قیمت کالا و خدمات، درآمد واقعی مصرف‌کنندگان نهایی کاهش و در نتیجه مصرف آن‌ها نیز کاهش می‌یابد؛ بنابراین، مالیات بر فروش کالا و خدمات که نوعی مالیات غیرمستقیم است تأثیر انقباضی در اقتصاد خواهد داشت. از آنجا که عمدتاً مالیات بر فروش کالا و خدمات مانند مالیات‌های غیرمستقیم عمل می‌کند، انتظار این است که در صورت پیاده‌سازی و اجرای آن، شاهد انتقال بار مالیاتی باشیم و به عبارتی، پرداخت‌کنندگان اولیه و نهایی مالیات با یکدیگر متفاوت باشند. در صورت بروز چنین امری، این امکان وجود دارد که پرداخت‌کنندگان نهایی مالیات که پیش‌بینی می‌شود عمدتاً مصرف‌کنندگان نهایی کالاها و خدمات باشند (به‌خصوص در مورد مالیات‌هایی که بر مصرف کالاها ضروری وضع می‌شوند) و معمولاً افراد با درآمد متوسط و پایین جامعه را تشکیل می‌دهند، برای حفظ قدرت خرید تمایل داشته باشند بر دستمزدهایشان افزوده شود که به نوبه خود می‌تواند پدیده‌ای تورم‌زا باشد.

۲-۳. اثر دیگر متغیرهای اقتصاد کلان بر تورم

علاوه بر مالیات بر فروش کالا و خدمات که بر تورم تأثیرگذار است، متغیرهای اقتصاد کلان دیگری بر تورم تأثیر می‌گذارند. در ادامه به اختصار به تأثیر این متغیرها بر تورم اشاره می‌کنیم:

• مخارج دولت

در کشورهای در حال توسعه، تأخیر در پرداخت مالیات از سوی مؤدیان مالیاتی به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود که بر افزایش تورم تأثیر مثبت دارد؛ بنابراین، هر چقدر تأخیر در پرداخت مالیات‌ها بیشتر باشد و سیستم مالیاتی انعطاف‌پذیر باشد، تأثیر تورم بر درآمدهای حقیقی مالیاتی و به تبع آن، افزایش کسری بودجه مؤثر خواهد بود. این فرایند در تحلیل‌های اقتصادی به اثر تانزی^۱ معروف است. پاتینکن^۲ (۱۹۹۳) نشان داد که فشارهای سیاسی به استفاده از تورم، به منظور از بین بردن اختلاف مخارج اسمی از درآمدهای دولت، منجر می‌شود. هرگاه تقاضای مخارج بیشتر از درآمدهای دولت باشد، دولت برای تأمین مخارج خود از بانک مرکزی استقراض می‌کند

1. Tansy
2. Partaken

که این عامل به افزایش تورم و کاهش مخارج حقیقی دولت منجر می‌شود. اثر منفی تورم بر مخارج دولت به اثر پاتینکن معروف است (اسماعیلی، ۱۴۰۰).

• نقدینگی

توماس توک^۱ و همکاران (۱۸۴۴) اعتقاد داشتند که ارزش پول کاغذی تبدیل‌ناپذیر، با تغییر ارزش، تغییر می‌کند. به این معنا که انتشار چنین پولی به افزایش تورم منجر می‌شود. از نظر دیوید هیوم^۲ قیمت هر چیزی به نسبت میان کالا و پول بستگی دارد. هرگونه تغییر چشمگیر، چه به دلیل بالا بردن قیمت و چه به دلیل پایین آوردن قیمت آن، در هر کدام اثر یکسانی دارد. وقتی قیمت افزایش می‌یابد، با افزایش پول، ارزش کالا بالا می‌رود. از نظر ایروینگ فیشر^۳ (۱۹۱۱) هرگاه حجم پول در اقتصاد بالا برود، قیمت‌ها نیز به همان نسبت افزایش خواهد یافت. به نظر اوبرین^۴ (۱۹۷۵) بین مکانیسم‌های انتقال در نظریه مقداری پول کلاسیک و نئوکلاسیک تفاوت وجود دارد. مدل نئوکلاسیک مبتنی بر فرض اشتغال کامل است و بین بخش‌های واقعی و پولی مشخص می‌شود. دستمزدهای واقعی در بخش حقیقی اقتصاد تعیین می‌شود. در حالی که قیمت‌های اسمی تابعی از عرضه پول است؛ بنابراین، افزایش عرضه پول بدون تغییر حجم کالای مورد تقاضا و عرضه و در نتیجه تولید واقعی به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) منجر می‌شود (هاشمی دیزج و همکاران، ۱۴۰۱).

• نرخ ارز

نرخ ارز به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر تورم تأثیرگذار است. نوسانات نرخ ارز به‌طور مستقیم بر کالاهای وارداتی تأثیر می‌گذارد. در عین حال، کاهش ارزش پول ملی موجب افزایش هزینه‌های تولیدکنندگان می‌شود. با افزایش نرخ ارز، قیمت کالاهای وارداتی (کالاهای واسطه‌ای و نهایی) برحسب پول داخلی را افزایش می‌دهد. کالاهای واسطه‌ای و نهایی وارداتی منجر به افزایش قیمت کالاها در سبد مصرف‌کننده خواهد شد. همچنین کالاهای واسطه‌ای به افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای تولید داخل منجر می‌شود.

تأثیرات سیستم نرخ ارز شناور بر تورم تا حدی به سیاست‌های پولی بستگی دارد. در کشورهای در حال توسعه، هدف از شناور کردن نرخ ارز حذف کنترل‌های قیمتی و تعدیل آن است. با وجود این، انتخاب سیستم نرخ ارز شناور به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود. نرخ ارز یکی از عوامل داخلی است که به‌صورت افزایش عرضه ارز - و به دنبال آن کاهش نرخ ارز - موجب افزایش تقاضای داخلی و در نهایت تورم می‌شود. از طرفی رژیم‌های ارزی مناسب به قوی‌تر شدن ارز منجر می‌شود که بر کاهش نرخ ارز اثرگذار است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴).

• تحریم‌های اقتصادی

اعمال تحریم‌های اقتصادی از طرق مختلف بر تورم تأثیرگذار است. در شریط تحریمی، سرمایه‌گذاران به دلیل محدودیت‌های که در واردات کالاها و خدمات دارند، در بخش‌های دیگری مانند طلا، ارز و مسکن سرمایه‌گذاری می‌کنند که این فرایند به کاهش سرمایه‌گذاری در تولید، اشتغال و افزایش تولید منجر می‌شود. از سوی دیگر،

1. Thomas Tooke
2. David Hume
3. Irving Fisher
4. O'Brien

اعمال تحریم‌های اقتصادی موجب می‌شود مصرف‌کنندگان با پیش‌بینی از آینده، میل به مصرف در زمان حال را افزایش دهند و در صورت فقدان کالاهای داخلی، به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای داخلی، تمایل به واردات افزایش می‌یابد و با افزایش واردات، تقاضا برای ارز افزایش می‌یابد و نرخ ارز بر اساس رژیم ارزی کشور یا افزایش می‌یابد و یا با کاهش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، سبب عدم تعادل در اقتصاد می‌شود و با افزایش نرخ ارز، قیمت کالاهای سرمایه‌ای افزایش می‌یابد. همچنین تحریم‌های اقتصادی به کمبود کالاهای وارداتی منجر می‌شود که این امر به تورم می‌انجامد (علمی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

• انتظارات

انتظارات نقش مهمی در تعیین تورم دارد. اگر فعالان اقتصادی پیش‌بینی کنند که قیمت‌ها افزایش خواهد یافت، این انتظارات را در مذاکرات و چانه‌زنی‌های دستمزد خود و تعدیل قیمت قراردادهای وارد می‌کنند. این رفتارها تا حدودی تورم در دوره بعد را تعیین می‌کند. به محض اینکه قراردادهای اعمال شوند و دستمزدها و قیمت‌ها طبق توافق افزایش یابند، انتظارات محقق می‌شوند. افزایش دستمزدها و قیمت‌ها موجب محقق شدن انتظارات می‌شوند و تا آن اندازه که مردم انتظارات خویش را بر اساس گذشته قرار دهند، تورم نیز الگوهای مشابهی را طی زمان دنبال خواهد کرد و سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد (هورانی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش مطالعات تجربی خارجی و داخلی درباره تأثیر انواع مالیات بر تورم مرور می‌شود. در مطالعات خارجی، اولاتونجی^۱ (۲۰۱۳) با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه شفاهی نشان داده که مالیات بر ارزش افزوده موجب افزایش تورم در نیجریه طی دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۳ شده است. گلاردی^۲ (۲۰۱۴) با مطالعه بریتانیا و کانادا برای دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۸ با استفاده از داده‌های پانل، به این نتیجه دست یافته که اجرای مالیات بر ارزش افزوده در کانادا موجب تورم شده، ولی در همین دوره در بریتانیا بر تورم تأثیر نداشته است. گوپتا^۳ (۲۰۱۴) تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم را در هند برای دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۰ با استفاده از الگوی تحلیلی-توصیفی بررسی کرده است. نتایج حاکی از آن است که اعمال مالیات بر فروش کالا و خدمات موجب افزایش قیمت‌ها، کاهش رفاه و کاهش درآمد شده است. مهادیانتو^۴ و همکاران (۲۰۱۹) کشورهای بالکان را طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۶ با استفاده از الگوی Panel ARDL بررسی کرده‌اند که نتایج نشان داده اجرای مالیات بر ارزش افزوده تأثیری بر تورم نداشته است.

1. Olatunji
2. Gelardi
3. Gupta
4. Mahadianto

بووا و کلیوین^۱ (۲۰۱۹)، با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) برای سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۷ در کشور پرتغال، نشان داده‌اند که مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تأثیر مثبت و اندک بر تورم داشته است. افولایان^۲ و همکاران (۲۰۲۱) نیز با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) برای دوره ۱۹۹۴-۲۰۱۷ در نیجریه، به این نتیجه دست یافته که مالیات بر ارزش افزوده به افزایش تورم منجر شده است. در مطالعات داخلی، روزبه و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از جدول داده-ستانده برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۹ نشان داده‌اند که اثر مالیات بر ارزش افزوده روی تورم در این سال مثبت و معنادار بوده است. انصاری سامانی و داوودی (۱۳۹۶) با استفاده از داده‌های پانل برای دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۲ به این نتیجه دست یافته‌اند که مالیات بر ارزش افزوده منجر به افزایش تورم در استان‌های ایران شده است. محمدی و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر تورم در ایران طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۹۶ را با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که مالیات‌های مستقیم موجب کاهش تورم و مالیات‌های غیرمستقیم موجب افزایش تورم شده است. ایزدخواستی و همکاران (۱۴۰۰)، با مطالعه استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۰ با استفاده از داده‌های پانل، نشان داده‌اند که مالیات بر ارزش افزوده به کاهش تورم منجر شده است. با نگاهی به مطالعات تجربی خارجی و داخلی که ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که درخصوص تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم تا کنون تحقیق مستقلی انجام نشده است. بیشتر مطالعات انجام شده تأثیر مالیات بر ارزش افزوده را بررسی کرده‌اند. همچنین در مطالعات خارجی و داخلی متعددی تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان بر تورم بررسی شده است که در این بخش به مرور اجمالی آن‌ها پرداخته می‌شود. صالح^۳ (۲۰۱۰) تأثیر غیرخطی نرخ بهره بر تورم را در اندونزی و کره جنوبی برای دوره ۱۹۷۳-۲۰۰۷ بررسی کرده است. نتایج به دست آمده حاکی از تأیید رابطه غیرخطی بین نرخ بهره و تورم در دوره مزبور است. اوکنتالر^۴ و همکاران (۲۰۱۵) اثر نقدینگی بر تورم در بریتانیا و کانادا را برای دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ و با روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو کشور نقدینگی عامل افزایش تورم بوده است. الینگتون و میلان^۵ (۲۰۱۹)، با بررسی تأثیر نقدینگی بر تورم در انگلستان با استفاده از داده‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۷ و روش مدل‌های خودرگرسیون انتقال هموار (STAR)، نشان داده‌اند که با افزایش حجم پول و نقدینگی، تورم نیز افزایش یافته است.

1. Bova & Klyviene
2. Afolayan
3. Saleh
4. Auckenthaler
5. Ellington & Milas

کمبجانی و نقدی (۱۳۸۸) تأثیر تولید بر تورم در اقتصاد ایران را برای دوره ۱۳۵۲-۱۳۸۴ با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که افزایش تولید در بلندمدت به کاهش تورم منجر شده است.

ابوالحسنی و همکاران (۱۳۹۸)، با بررسی اثر نرخ بهره و نرخ ارز بر تورم در ایران برای دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۷ با کاربرد مدل تعادل عمومی پویا، دریافته‌اند که تکانه نرخ ارز و نرخ بهره از طریق تکانه هزینه‌ای موجب افزایش نرخ تورم شده است. همچنین در شرایطی که انتظارات کارگزاران اقتصادی به صورت عقلایی باشد، نسبت به زمانی که انتظارات به صورت تطبیقی شکل گرفته باشد، درجه انعطاف‌پذیری کمتری داشته است.

التجائی (۱۳۹۹) اثر نقدینگی بر تورم در اقتصاد ایران را با استفاده از روش خودرگرسیون برداری مارکوف سوئچینگ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد علیت یک‌طرفه از نقدینگی به تورم وجود دارد. در رژیم یک که هر دو متغیر نرخ‌های ملایم‌تری تجربه کرده‌اند، علیت دوطرفه و در رژیم دو که تورم بالا است و میانگین آن نزدیک به میانگین رشد نقدینگی است، علیت یک‌طرفه از تورم به رشد نقدینگی مشاهده می‌شود.

تحصیلی (۱۴۰۱) اثر نرخ ارز بر تورم در اقتصاد ایران را با استفاده از داده‌های فصلی ۱۳۶۹:۱-۱۳۹۷:۴ و با کاربرد روش غیرخطی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای بررسی کرده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اثرگذاری نرخ ارز بر سطح عمومی قیمت‌ها به مقادیر تورم (محیط تورمی و آستانه آن) وابسته است؛ به طوری که اگر تورم فصلی بیشتر از ۵/۴۸ درصد باشد، تکانه ارزی اثر کمتری بر تورم دارد. ضمن آنکه به دلیل نبود سیاست هدف‌گذاری تورم در اقتصاد ایران، اثرگذاری تکانه نرخ ارز بر تورم در مقادیر کمتر از سطح ۵/۴۸ درصد کمتر است.

علمی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۱) اثرگذاری تحریم‌های بین‌المللی برای دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۷ را با رویکرد فازی بر تورم در اقتصاد ایران مطالعه کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران با ضریب فازی قوی، تأثیر مثبت و چشمگیری بر تورم در ایران داشته است. همچنین نقدینگی و نوسانات نرخ ارز به ترتیب پس از تحریم‌های شدید، بیشترین اثر را بر افزایش تورم داشته‌اند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، برای بررسی تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم در اقتصاد ایران، به مطالعات نظری و تجربی به‌ویژه افولایان (۲۰۲۱) و مهادیانتو (۲۰۱۹)، توجه شده است. الگوی پژوهش در رابطه (۱) تصریح شده و برآورد بر اساس روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) انجام شده است.

$$Inf = \alpha_0 + \alpha_1 Gdp + \alpha_2 T + \alpha_3 er + \alpha_4 M2 + \alpha_5 dum S + \alpha_6 Ut \quad (1)$$

که در آن، Inf نرخ تورم (متغیر وابسته)، Gdp تولید ناخالص داخلی، T مالیات بر فروش کالاها و خدمات، er نرخ ارز، $M2$ نقدینگی، $dum S$ متغیر مجازی شدت تحریم‌های اقتصادی مربوط به سال‌های ۱۳۹۱-۱۴۰۰ و در نهایت، Ut جزء اخلال است.

داده‌های نرخ تورم، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و نقدینگی از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مالیات بر فروش کالا و خدمات از وبگاه سازمان امور مالیاتی و بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده است. دوره بررسی پژوهش نیز ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است.

در بسیاری از مدل‌های اقتصادی و مالی، تأثیرگذاری متغیرهای توزیعی با تأخیرهای فراوان مواجه‌اند. به‌عنوان مثال، تأثیر یک سیاست پولی انبساطی بر متغیرهای مدنظر با تأخیر ظاهر می‌شود. اثرات تأخیری بیانگر این مفهوم است که اگر مقدار تغییر کند، اثر آن در دوره‌های بعد ظاهر خواهد شد. مدل‌هایی که برای بررسی اثرات تأخیری ارائه می‌شوند به مدل‌هایی با وقفه‌های خودتوزیعی معروف‌اند. یکی از جدیدترین روش‌ها برای این بررسی‌ها خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) است. در مدل ARDL متغیر وابسته تحت تأثیر وقفه‌های متغیرهای مستقل قرار دارد. بهره‌گیری از روش‌های سنتی اقتصادسنجی برای مطالعات تجربی بر مانایی متغیرها استوار است؛ اما بسیاری از متغیرهای سری‌های زمانی ناماناستند. نامانایی متغیرهای سری‌های زمانی منجر به رگرسیون‌های کاذب می‌شود. بنا بر نظریه‌ی هم‌انباشتگی اقتصادسنجی مدرن، برای تخمین ضرایب رگرسیون متغیرهای سری زمانی، باید روش‌هایی را به کار برد که به مسئله مانایی و هم‌انباشتگی متغیرهای سری زمانی توجه داشته باشند. از این‌رو، در اقتصادسنجی کاربردی برای برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرهای سری‌های زمانی به‌هنگام نامانایی متغیرها، از رهیافت‌های مختلفی مانند الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) پسران و شین (۱۹۹۹) و پسران و همکاران (۲۰۰۱) استفاده می‌شود (Nkoro & Uko, 2016). الگوی اقتصادسنجی‌ای که در آن وقفه‌های متغیرها مانند رابطه (۲) باشد، الگوی پویایی است.

$$Y_t = aX_t + bX_{t-1} + cY_{t-1} + u_t \quad (2)$$

در نمونه‌های کوچک، برای کاهش تورش ضرایب الگوی پویای اقتصادسنجی مانند رابطه (۳)، باید وقفه‌های متغیرها زیاد باشد.

$$\varphi(L, P)X_{it} + c'w_t + u_t \quad (3)$$

رابطه (۴) الگوی اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی است.

$$\begin{aligned} \phi(L, P) &= 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 - \dots - \phi_p \\ (3-3) \quad b_i(L, q_i) &= b_{i0} + b_{i1}L + \dots + b_{iq}L^q \end{aligned} \quad (4)$$

$$i = 1, 2, \dots, K$$

L عملگر وقفه و w برداری از متغیرهای ثابت مثل عرض از مبدأ، متغیرهای مجازی، روند زمانی یا متغیرهای برون‌زا با وقفه ثابت است. الگوی اقتصادسنجی (۴) برای تمام حالات و برای همه ترتیبات ممکن مقادیر، یعنی $(m+1)^{k+1}$ برآورد می‌شود. m حداکثر وقفه‌ای است که محقق تعیین می‌کند. k تعداد متغیرهای توضیحی

است. سپس با استفاده از یکی از معیارهای آکاییک^۱ (AIC)، شوارتز بیزین^۲ (BC)، حنان کوین^۳ (HQC) یا ضریب تعیین تعدیل شده، یکی از آن معادلات انتخاب می‌شود (علیزاده و مطلبی، ۱۳۹۵).

الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نسبت به حجم نمونه حساس نیست. برای بهره‌گیری از سایر روش‌های هم‌جمعی یا هم‌انباشتگی شرط یکسان بودن درجه انباشتگی متغیرها ضروری است و در مقابل، روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی برای متغیرهایی با درجه هم‌انباشتگی متفاوت کارایی دارد. در روش خودرگرسیونی با وقفه‌های خودتوزیعی، امکان بهره‌گیری از وقفه‌های بهینه هر متغیر طی مراحل برآورد مدل امکان‌پذیر است. در روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی در مقابل برآورد سیستمی معادلات، یک تک‌معادله وجود دارد. در برآورد روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی به‌طور هم‌زمان امکان برآورد دارد (منتظری شور کچالی، ۱۳۹۷).

در اقتصادسنجی کاربردی برای برآورد رابطه بلندمدت بین متغیرهای سری‌های زمانی هنگام نامانایی متغیرها، از رهیافت‌های مختلفی مانند گرنجر^۴ (۱۹۸۱)، انگل و گرنجر^۵ (۱۹۸۷)، یوهانسن و یوسلیوس^۶ (۱۹۹۰)، فیلیپس و هانسن^۷ (۱۹۹۱) و فیلیپس و لورتون^۸ (۱۹۹۱) استفاده می‌شود. الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۹ (ARDL)، پسران و شین (۱۹۹۹) و پسران و همکاران (۲۰۰۱) برای برآورد رابطه بلندمدت متغیرها در زمان مانایی به کار گرفته می‌شود. روش انگل گرنجر بر پیش‌فرض وجود یک بردار هم‌انباشتگی استوار است و اگر بیش از یک بردار هم‌انباشتگی وجود داشته باشد، استفاده از این روش ناکارا است. از این‌رو، استفاده از روش الگوهای اقتصادسنجی که پویایی‌های کوتاه‌مدت را در خود داشته باشند و برآورد دقیق‌تری از ضرایب الگو به بار آورند، مدنظر بوده است. روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی این محدودیت‌ها را ندارند. الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) ارائه‌شده پسران و همکاران (۲۰۰۱)، در مقایسه با سایر رهیافت‌های هم‌انباشتگی، چندین مزیت دارد: (۱) این روش نسبت به حجم نمونه حساس نیست. بنابراین، در نمونه‌هایی با حجم کم مناسب است و کارایی لازم دارد. (۲) برای به‌کارگیری از سایر روش‌های هم‌جمعی یا هم‌انباشتگی شرط یکسان بودن درجه انباشتگی متغیرها ضروری است و در مقابل، روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی برای متغیرهایی با درجه هم‌انباشتگی متفاوت کارایی دارد. (۳) در این روش امکان بهره‌گیری از وقفه‌های بهینه هر متغیر طی مراحل برآورد مدل امکان‌پذیر است. (۴) در الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در مقابل برآورد سیستمی معادلات، یک تک‌معادله وجود دارد. (۵) در برآورد این الگو روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی به‌طور هم‌زمان امکان برآورد دارد (شمس‌اللهی و همکاران، ۱۴۰۰).

1. Akaike
2. Schwartz-Bayesian Criterion
3. Hannan-Quinn Information Criterion
4. Granger
5. Enggel & Granger
6. Johansen & Juselius
7. Philips & Hansen
8. Phillips & Lorton
9. Autoregresssive Distributed Lag

۵. یافته‌ها

۵-۱. بررسی مانایی متغیرها

پیش از برآورد الگو و برای جلوگیری از برآورد رگرسیون کاذب، لازم است مانایی متغیرها بررسی شود. برای این منظور، در پژوهش حاضر از آزمون KPSS استفاده شده است. جدول (۱) نتایج مانایی متغیرها را نشان می‌دهد:

جدول ۱. بررسی مانایی متغیرها

متغیر	آماره آزمون	مقدار بحرانی	نتیجه آزمون در سطح ۵ درصد
Inf	۰/۲۶	۰/۷۳	مانا در سطح
GDP	۰/۳۲	۰/۷۳	مانا با یک بار تفاضل گیری
T	۰/۵۳	۰/۷۳	مانا
ir	۰/۶۹	۰/۷۳	مانا
er	۰/۶۸	۰/۷۳	مانا
M2	۰/۳۵	۰/۷۳	مانا

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

بر اساس آزمون KPSS، چنانچه متغیرهای به کاررفته کوچک‌تر از مقدار بحرانی باشد، متغیر مانا است. بنابراین و مطابق جدول فوق، متغیر تولید ناخالص داخلی با یک بار تفاضل گیری و سایر متغیرهای الگو در سطح معنی‌دار شدند. در نتیجه، فرضیه صفر مبنی بر داشتن ریشه واحد در سطح یک درصد رد می‌شود. از آنجا که همه متغیرهای بررسی شده در سطح مانا و یک متغیر با یک بار تفاضل گیری $I(1)$ معنی‌دارند، پس به کارگیری الگوهای کلاسیک اقتصادسنجی به رگرسیون کاذب منجر خواهد شد. در نتیجه، استفاده از الگوی ARDL مناسب به نظر می‌رسد.

۵-۲. برآورد الگوی کوتاه‌مدت

به منظور برآورد الگوی کوتاه‌مدت، با توجه به تعداد نمونه مورد بررسی، از معیار شوارتز در تعیین وقفه بهینه الگو استفاده شده است که نتایج این برآورد در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲. برآورد الگوی کوتاه‌مدت ARDL

متغیرها	ضریب آماره	آماره t	سطح معنی‌داری
Inf (-1)	۰/۴۷	۲/۸۱	۰/۰۱
Inf (-2)	۰/۶۵	۳/۸۹	۰/۰۰
M2	۱/۲۵	۲/۱۷	۰/۰۴
M2 (-1)	۰/۰۵	۰/۲	۰/۹۷
M2 (-2)	۱/۲۴	۳/۹۶	۰/۰۰
ir	-۵/۰۹	-۴/۶۴	۰/۰۰
ir (-1)	-۴/۰۹	-۳/۰۴	۰/۰۰
ir (-2)	-۴/۵۳	-۲/۹۸	۰/۰۰
ir (-3)	-۴/۷۱	-۳/۵۴	۰/۰۰
T	۰/۰۰	۱/۴۲	۰/۱۶

۰/۰۵	۲/۰۷	۰/۰۵	T (-1)
۰/۰۰	-۳/۵۴	-۴/۰۵	GDP
۰/۰۱	-۲/۶۸	-۸/۹۳	GDP (-1)
۰/۰۱	۲/۷۵	۰/۰۱	ER
۰/۰۲	۲/۳۵	۲/۰۱	Dum s
۰/۰۰	۳/۱۱	۴/۲۹	C
$\bar{R}=۰/۷۲$ $R=۰/۸۵$		$F=۷/۰۲$	

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

با توجه به نتایج به دست آمده، تورم دوره پیشین نیز به تشدید تورم منجر شده است. بر این اساس، تورم با یک وقفه، تبعات افزایشی دوره بعدی را نیز موجب شده است؛ به ویژه در وقفه دوم، میزان اثر افزایشی آن بر تورم تشدید شده است. به نظر می‌رسد این اثر از یک سو، به دلیل افزایش انتظارات تورمی بوده است که سبب نااطمینانی فعالان اقتصادی شده و رفتار هیجانی آنان را افزایش داده است و از سوی دیگر، به دنبال افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات، مخارج تولید نیز بیشتر شده و از طریق فشار هزینه، موجبات تشدید تورم را فراهم آورده است. همچنین طبق یافته‌های پژوهش حاضر، با وجود آنکه طی سال‌های مورد مطالعه، به لحاظ آماری در بررسی تأثیر مالیات بر تورم در دوره نخست اثر معناداری گزارش نشد، اما مالیات با یک وقفه منجر به افزایش تورم شده و میزان اثرگذاری آن حدود ۰/۰۵ بوده است. در واقع، به دنبال افزایش سطح قیمت‌ها، میزان مالیات بر فروش کالا و خدمات مربوطه نیز بیشتر خواهد شد.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، با افزایش نقدینگی تورم به سرعت افزایش می‌یابد؛ به طوری که به ازای هر واحد افزایش نقدینگی، تورم در دوره نخست ۱/۲۵ واحد و طی دو دوره و با وقفه، ۱/۲۴ واحد افزایش خواهد داشت. اثر افزایش نقدینگی بر تورم و سطح عمومی قیمت‌ها با توجه نظریه مقداری و ارتباط آن با رشد حجم پول در اقتصاد دور از انتظار نخواهد بود. این اثر با یافته‌های اوکتالر و همکاران (۲۰۱۵) و الینگتون و میلاس (۲۰۱۹) هم‌سو است. اثر ضدتورمی نرخ سپرده نیز هم‌زمان و با وقفه گزارش شده است. به نظر می‌رسد افزایش نرخ سپرده موجب جمع‌آوری پول و جذب نقدینگی شده و از آنجا که در این شرایط، سرمایه‌گذاران اغلب بانک‌ها را کم‌ریسک‌تر و پربازده‌تر از سایر بازارهای مالی در نظر می‌گیرند، نقدینگی و سرمایه خود را به سپرده بانکی اختصاص خواهند داد. با توجه به آثار ضدتورمی نرخ سپرده، تأثیر منفی آن طی دو دوره کاهش یافته است. همچنین با افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، تورم نیز افزایش یافته است که تأییدکننده مطالعات علمی مقدم و همکاران (۱۴۰۱) است.

درخصوص اثر ارزش تولید بر تورم، مطابق با ادبیات اقتصادی آن و مطالعه کمیجانی و نقدی (۱۳۸۸)، با افزایش تولید، میزان تورم کاهش یافته است؛ به طوری که بیشترین اثر ضدتورمی در بین متغیرهای بررسی شده مربوط به بخش تولید بوده است. بر اساس نتایج الگو، به ازای یک واحد افزایش در تولید، تورم حدود ۴ واحد کاهش یافته و اثر کاهش تورم در وقفه دوم تولید، به میزان ۸ واحد رسیده است. علاوه بر این، شدت گرفتن تحریم‌های اقتصادی از دهه ۱۳۹۰ علیه ایران، با فشار بر تقاضا و فشار عرضه، میزان تورم را افزایش داده است.

۳-۵. آزمون رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو

به منظور برآورد الگوی بلندمدت لازم است قبل از تخمین، وجود رابطه بلندمدت در الگو تأیید شود. بر این اساس، از آزمون باند^۱ استفاده شد. همان طور که در جدول (۳) گزارش شده است، مقدار آماره F مربوط به آزمون برابر ۷,۱۷ و در هر سه سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد بالاتر از کران تعیین شده است. در نتیجه، فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو رد و فرضیه مقابل مبنی بر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها تأیید می شود.

جدول ۳. نتایج آزمون رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو

۷,۱۷		آماره F
کران بالا	کران پایین	سطح
۲,۹۴	۱,۹۹	۱۰ درصد
۳,۲۸	۲,۲۷	۵ درصد
۳,۹۹	۲,۸۸	۱ درصد

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

۴-۵. برآورد الگوی بلندمدت ECM

نتایج برآورد این الگو در جدول (۴) گزارش شده است. همان طور که ملاحظه می شود، ضریب تصحیح خطای معادله برابر $1/82$ - است. از آنجا که ضریب برآورد شده بین منفی یک و منفی دو قرار گرفته است، حرکت به سمت تعادل به صورت نوسانی و واگرا خواهد بود. همچنین سرعت رسیدن به تعادل $1/82$ خواهد بود که نشان می دهد 182 درصد از خطای عدم تعادل در کوتاه مدت در هر دوره تعدیل می شود.

جدول ۴. نتایج برآورد الگوی کوتاه مدت ECM

متغیرها	ضریب آماره	آماره t	سطح معنی داری
Inf (-1)	۰/۶۵	۴/۹۸	۰/۰۰
M2	۱/۲۵	۶/۲۷	۰/۰۰
M2 (-1)	۱/۲۴	۷/۴۲	۰/۰۰
T	۰/۰۰۱	۷/۴	۰/۰۰
ir (-1)	۵/۰۹	۰/۲۱	۰/۸۳
ir (-2)	۴/۷	۵/۵۱	۰/۰۰
GDP	۴/۰۵	۶/۷۶	۰/۰۰
Dum s	۲۱/۰۱	۳/۹۱	۰/۰۰
CointEq (-1)*	-۱/۱۸	-۸/۶۹	۰/۰۰
$R=0/81$		$\bar{R}=0/75$	

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

۵-۵. ارزیابی الگو

جدول ۵. نتایج تصریح الگو

نتیجه	احتمال	آماره F	آزمون
نبود ناهمسانی واریانس	۰/۰۹	۰/۵۳	واریانس ناهمسانی hetroskedasticity
نبود خودهمبستگی	۰/۳۰	۱/۰۹	خودهمبستگی LM Test
توزیع نرمال اجزای خطا	۰/۰۸	۰/۷۵	نرمالیتی Jarque-Bera

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

طبق نتایج، آماره F مربوط به واریانس ناهمسانی (ARCH) hetroskedasticity معنی‌دار نیست که بیانگر ناهمسانی واریانس در جملات خطای الگو است. آماره براش-گادفری آزمون خودهمبستگی نیز برابر ۱,۰۹ به دست آمد که با توجه به غیرمعنی‌دار بودن آن، وجود خودهمبستگی در اجزای الگو تأیید نشد. بر اساس آماره جاک-براه، احتمال عدم توزیع نرمال اجزای خطای الگو نیز با احتمال ۹۸ درصد پذیرفته نشد؛ بنابراین، دلایل کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد و اجزای خطا به‌طور نرمال توزیع شده‌اند (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲).

۶. نتیجه‌گیری

لزوم اجرای برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها (از جمله تأمین کالاهای عمومی، مقابله با آثار خارجی منفی و پیامدهای زیست‌محیطی مخرب، انجام اصلاحات سیاست‌های مالی، کنترل انحصارگران، تخصیص منابع، توزیع عادلانه درآمد و کمک به ثبات اقتصادی) نیازمند کسب بودجه است. از آنجا که در ایران تکیه اصلی درآمد دولت در دهه‌های اخیر بر منابع نفتی بوده، از یک سو تحریم‌های نفتی و اقتصادی و از سوی دیگر نوسانات قیمت و ناپایداری آن، کاهش تقاضای جهانی نفت و تجدیدنپذیر بودن منابع فسیلی، دولت‌ها را در اجرای اهداف فوق با چالش‌های بسیاری مواجه ساخته است. این امر در حالی است که درآمدهای مالیاتی تا حد بسیاری باثبات است و به‌نوعی تعدیل‌کننده خودکار محسوب می‌شود و به کاهش نوسانات منجر خواهد شد.

در بین انواع مالیات، مالیات بر فروش کالا و خدمات به‌دلیل مصرفی بودن پایه مالیاتی، هزینه‌های پایین شناسایی، سهل‌الوصول بودن، عدم ایجاد ناکارایی در بخش تولید و عدم فشار بر این بخش، مدنظر بسیاری از کشورها قرار گرفته است. با وجود منافع مالیات بر فروش کالا و خدمات، چالش اصلی این نوع مالیات عبارت است از آثار تورم احتمالی اجرای آن. بر همین اساس، در پژوهش حاضر سعی شده تأثیر مالیات بر فروش کالا و خدمات بر تورم (۱۳۵۷-۱۴۰۰) بررسی و مطالعه شود.

طبق یافته‌های پژوهش، با آنکه در بررسی تأثیر مالیات بر تورم، به‌لحاظ آماری در دوره نخست اثر معناداری گزارش نشد، اما مالیات با یک وقفه، به افزایش تورم منجر شده و میزان اثرگذاری آن حدود ۰/۰۵ درصد بوده است. به نظر می‌رسد اجرای این نوع مالیات می‌تواند موجب جهش قیمت کالاها و خدمات مشمول مالیات شود که این امر با نتیجه مطالعه گوپتا (۲۰۱۵) مطابقت دارد. به عبارت دیگر، از یک سو، عرضه‌کنندگان کالای مشمول مالیات

این مالیات را به مصرف‌کننده منتقل می‌کنند و از سوی دیگر، عرضه‌کنندگان کالاهای غیرمشمول نیز انتظار دارند که قیمت‌ها افزایش یابد. در نتیجه، طبق نظریه انتظارات عقلایی، اقدام به افزایش قیمت محصول یا نهاده خویش می‌کنند و به این ترتیب سبب تشدید تورم خواهند شد (انصاری و داوودی، ۱۳۹۶).

همچنین، وضع مالیات بر فروش کالا و خدمات می‌تواند از طریق فشار هزینه عمل کند و موجب افزایش سطح قیمت‌ها شود. در واقع، از آنجا که افزایش مالیات بر مصرف کالاها و خدمات به افزایش هزینه‌های زندگی منجر می‌شود، کارگزاران اقتصادی درخواست افزایش دستمزد را مطرح خواهند کرد. با افزایش حقوق و دستمزد، سود بنگاه‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه، بنگاه‌ها نیز برای حفظ سود اقدام به افزایش مجدد قیمت‌ها می‌کنند. به دنبال افزایش سطح قیمت‌ها، میزان مالیات متعلق به کالا و خدمات مربوطه نیز بیشتر خواهد شد و ماریج دستمزد-قیمتی که از طریق مالیات‌ها به وجود می‌آید می‌تواند عامل فشار تورم شود (روزبه و همکاران، ۱۳۹۳). با وجود این، به نظر می‌رسد چنانچه مالیات بر فروش با نرخ یکسان بر تمام کالاها و خدمات وضع شود و معافیت‌ها نیز در نظر گرفته نشود، قیمت‌های نسبی ثابت باقی می‌ماند و سطح عمومی قیمت‌ها یک بار در کوتاه‌مدت زیاد می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده درخصوص سایر متغیرهای بررسی‌شده، تورم با یک و دو وقفه تبعات افزایشی دوره‌ی بعدی را نیز موجب شده است. این اثر از یک سو می‌تواند به دلیل افزایش انتظارات تورمی باشد که سبب نااطمینانی فعالان اقتصادی شده و رفتار هیجانی آنان را افزایش داده است. از سوی دیگر، به دنبال افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش قیمت تمام‌شده کالا و خدمات، مخارج تولید نیز بیشتر می‌شود و از طریق فشار هزینه، موجبات تشدید تورم را فراهم می‌آورد.

همچنین، با افزایش نقدینگی تورم به سرعت افزایش می‌یابد. اثر افزایش نقدینگی بر تورم و سطح عمومی قیمت‌ها مثبت گزارش شد. بر اساس نظریه مقداری پول و ارتباط آن با رشد حجم پول در اقتصاد، افزایش نقدینگی می‌تواند به افزایش تورم و سطح عمومی قیمت‌ها منجر شود. به علاوه، در مورد نرخ سپرده هم نشان داده شده است که تأثیر ضدتورمی دارد و می‌تواند به جذب نقدینگی و کاهش تورم کمک کند. همچنین، افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی در افزایش تورم نقش دارد؛ زیرا بخش تولید به نهاده‌های وارداتی وابسته است. بر اساس ادبیات اقتصادی، افزایش تولید می‌تواند به کاهش تورم منجر شود. در واقع، بیشترین اثر ضدتورمی بین متغیرهای بررسی‌شده مربوط به بخش تولید است. علاوه بر این، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از دهه ۱۳۹۰ به بعد فشار بر تقاضا و عرضه داشته و میزان تورم را افزایش داده است.

نتایج این پژوهش درخصوص اثر نقدینگی بر تورم و تأثیر تحریم‌ها و نرخ ارز بر تورم، تأییدکننده مطالعات اوکنتالر و همکاران (۲۰۱۵)، الینگتون و میلاس (۲۰۱۹) و علمی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۱) است. با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده طی سال‌های مورد بررسی، افزایش تولید موجب کاهش تورم شده است؛ بنابراین، برای کاهش تورم باید سیاست‌های افزایش تولید لحاظ شود و موانع تولید در بخش‌های مختلف اقتصاد شناسایی و برطرف شود. همچنین، مالیات بر فروش کالا و خدمات می‌تواند به افزایش درآمد دولت کمک کند و تأثیر تورمی اندکی داشته باشد؛ اما به شرطی که دولت برای خنثی کردن افزایش قیمت‌ها اقدامات مالی و پولی ضدتورمی انجام دهد و راهکارهای مناسبی در پیش بگیرد.

در نهایت، اگر دولت هدف ثبات اقتصادی را دنبال کند و سیاست‌های انبساطی مثل افزایش عرضه پول اتخاذ کند، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شدت بیشتری خواهد یافت. بنابراین، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نه به دلیل مالیات بر فروش کالا و خدمات، بلکه به دلیل سیاست انبساطی اقدام شده خواهد بود.

منابع

- ابوالحسنی، اصغر؛ شایگانی، بیتا؛ زندیان، زهرا. (۱۳۹۸). «بررسی اثر نرخ بهره و نرخ ارز بر هدف‌گذاری تورم با رویکرد انتظارات تورمی ناهمگن». مدل‌سازی اقتصادی، (۱)۵، ۸۷-۱۱۰.
- اسماعیلی، بابک. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر رشد اقتصادی و مخارج دولت بر نرخ تورم با استفاده از رویکرد رگرسیون انتقال ملایم (STR)». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲(۴۵)، ۱۱۵-۱۳۰.
- انصاری سامانی، حبیب؛ داوودی، راضیه. (۱۳۹۶). «بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در استان‌های ایران (۱۳۸۷-۱۳۹۲)». اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۲۴(۱۴)، ۸۶-۱۱۱.
- ایزدخواستی، حجت؛ دادگر، یداله؛ قربی، سالار. (۱۴۰۰). «تحلیل رابطه عملکرد مالیات بر ارزش افزوده با تورم، توزیع درآمد و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در استان‌های ایران». پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۹(۱۰)، ۲۲۷-۲۵۴.
- التجائی، ابراهیم. (۱۳۹۹). «بررسی رابطه علی میان پول و تورم در ایران: رهیافت MS-VAR». اقتصاد و تجارت نوین، ۱۵(۳)، ۳-۲۶.
- تحصیلی، حسن. (۱۴۰۱). «اثرگذاری تکانه نرخ ارز بر تورم در اقتصاد ایران: کاربرد الگوی خودرگرسیون برداری آستانه‌ای». پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷(۹۱)، ۲۵۷-۲۸۵.
- توکلی، اکبر؛ فیروزه، نگین؛ کریمی، فرزاد. (۱۳۹۴). «تأثیر نوسان‌های نرخ ارز بر رشد اقتصادی و نرخ تورم ایران، ۱۳۴۰-۱۳۸۸». دوفصل‌نامه علمی-تخصصی اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، ۴(۱)، ۱-۳۶.
- چهرقانی، احمد؛ زراءنژاد، منصور. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳۶)، ۱۰۹-۱۲۸.
- خانزادی، آزاد؛ قادری، شیوا. (۱۳۹۹). «ارزیابی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران». اقتصاد باثبات، ۱(۱)، ۶۱-۷۸.
- روزبه، فیروز؛ خزدوزی، بیژن؛ سلطان‌پناه، هیرش؛ حسنی، کاوه؛ طاهر خوئیانی، کیوان. (۱۳۹۳). «بررسی اثرات اجرای مالیات بر ارزش افزوده بر تورم در اقتصاد ایران در سال ۸۹». پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۴(۳)، ۹۳-۱۲۰.
- سبحانیان، سید محمدهادی؛ معاریان، محمدحسین؛ بحری، پویا. (۱۳۹۹). «واکاوی مالیات بر ارزش افزوده و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران». راهبرد اقتصادی، ۹(۳۵)، ۳۲۵-۳۵۸.

- شکری نیا، مهدی؛ الماسی، مجتبی؛ فلاحی، علی. (۱۴۰۲). «برآورد کشش‌های مالیاتی در ایران به تفکیک انواع مالیات‌ها: رویکردی غیرخطی و نامتقارن». *مطالعات اقتصاد بخش عمومی*، ۲(۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
- شمس‌اللهی، رضا؛ زاهدغروی، مهدی؛ آسایش، حمید. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر بلندمدت نابرابری توزیع درآمد بر مخارج آموزشی دولت در اقتصاد ایران: شواهد جدید از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL)». *اقتصاد باثبات*، ۲(۴)، ۱۳۶-۱۵۷.
- عزیزی، زهرا؛ منصوری کاسوائی، منصوره. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر تجارت و مقایسه این اثر در کشورهای صادرکننده و غیرصادرکننده نفت». *پژوهش‌های برنامه و توسعه*، ۲(۶)، ۷۹-۱۰۳.
- علمی‌مقدم، مصطفی؛ ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ منصوری، نسرین؛ امینی میلانی، مینو. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نرخ تورم در ایران (رویکرد فازی)». *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱۰(۳۸)، ۱۸۷-۲۳۵.
- علیزاده، محمد؛ مطلبی، معصومه. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر اندازه دولت در اقتصاد ایران (با استفاده از آزمون کرانه‌ها)». *مدل‌سازی اقتصادسنجی*، ۲(۱)، ۱۳۵-۱۵۶.
- غفاریان کلاهی، سید حسین. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه و ایران)». *پژوهش‌نامه مالیات*، ۲۷(۴۱)، ۱۰۶-۱۳۵.
- کریمی، محمدشریف؛ دورباش، معصومه. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر توزیع درآمد با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته». *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۶(۲۲)، ۴۷-۶۸.
- کمیحانی، اکبر؛ نقدی، یزدان. (۱۳۸۷). «بررسی آثار تولید بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات بر تورم در اقتصاد ایران». *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۶(۴۵)، ۵۹-۸۵.
- محمدی، تیمور؛ مظهری موسوی، سعیده‌سادات؛ شاکری، عباس؛ ارباب، حمیدرضا. (۱۳۹۸). «اثرات کلان‌تکانه‌های مالیاتی در ایران: رویکرد شناسایی ترکیبی الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری با تأکید بر زمان‌بندی اثرات». *راهبرد اقتصادی*، ۸(۳۱)، ۴۳-۷۷.
- مرادی، فاطمه؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام. (۱۴۰۲). «اثر تحریم‌های اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران: با تأکید بر درآمدهای نفتی». *مطالعات اقتصاد بخش عمومی*، ۲(۲)، ۱۵۱-۱۷۰.
- ملاسمعیلی دهشیری، حسن؛ پژویان، جمشید؛ غفاری، فرهاد؛ حسینی، سید شمس‌الدین. (۱۴۰۱). «تحلیل اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد کشورهای منتخب OECD». *اقتصاد مالی*، ۱۶(۵۸)، ۹۳-۱۰۸.
- منتظری شورکچالی، جلال. (۱۳۹۸). «مبادله سیاست‌گذاری بین مالیات مستقیم و غیرمستقیم در ایران: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای خودمحرک». *مدل‌سازی اقتصادسنجی*، ۵(۱)، ۱۱۱-۱۳۰.
- نادری، سعید؛ سلاطین، پروانه. (۱۳۹۷). «تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶(۲۴)، ۵۶۸-۵۹۵.

هاشمی دیزج، عبدالرحیم؛ حاضری نیری، هانف؛ صمدزاده، سعید. (۱۴۰۱). تأثیر سیاست پولی بر تورم کشورهای در حال توسعه نفتی و کشورهای توسعه یافته». *توسعه و سرمایه*، ۷(۲)، ۲۱۳-۲۳۲.

هرورانی، حسین؛ فراهانی فرد، سعید؛ شریفی، امید. (۱۳۹۹). «تأثیر انتظارات تورمی برون‌یابانه بر تورم در اقتصاد ایران: رهیافت رگرسیون کوانتایل». *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۷(۲)، ۳۴۳-۳۶۴.

Aboulhasani, A.; Shaygani, B. & Zandian, Z. (2020). "The Effect of Interest Rate and Exchange Rate on Inflation Targeting with Heterogeneous Inflation Expectations Approach". *Journal of Econometric Modelling*, 5(1), 87-110. [In Persian].

Afolayan, S. M.; Okonkwo, I. V. & Okaro, C. S. (2021). "Value Added Tax Rate Change: Effects on Inflation Rate and Government Borrowing in Nigeria". *Journal of Contemporary Issues in Accounting*, 2(1), 157-176.

Alizadeh, M. & Motallebi, M. (2017). "Investigating the Impact of Value Added Tax on Government Size in Iranian Economy Using the Bounds Test". *Journal of Econometric Modelling*, 2(1), 135-156. [In Persian].

Ansari samani, H. & Davoodi, R. (2017). "Investigating the Effect of VAT on Inflation in Iran Provinces". *Journal of Economics and Regional Development*, 24(14), 86-111. [In Persian].

Auckenthaler, J.; Kupfer, A. & Sendlhofer, R. (2015). "The Impact of Liquidity on Inflation-linked Bonds: A Hypothetical Indexed Bonds Approach". *The North American Journal of Economics and Finance*, 32(C), 139-154.

Azizi, Z. & Mansoori kasvaei, M. (2021). "The Impact of Value Added Tax on Trade and Comparison of This Effect in Oil Exporting and Non-oil Exporting Countries". *Journal of Program and Development Research*, 2(6), 79-103. [In Persian].

Bova, E. & Klyviene, V. (2019). "Macroeconomic Responses to Fiscal Shocks in Portugal". *European Economy - Discussion Papers 096*, Directorate General Economic and Financial Affairs (DG ECFIN), European Commission.

Chehrehgani, A. & Zara'nejhad, M. (2019). "Investigating the Impact of Value Added Tax (VAT) on Iran's Economic Growth Using the Computable General Equilibrium Model (CGE)". *Economic Growth and Development Research*, 9(36), 109-128. [In Persian].

Ellington, M. & Milas, C. (2019). "Global Liquidity, Money Growth and UK Inflation". *Journal of Financial Stability*, 42(C), 67-74.

Elmimoghaddam, M.; Abolhasani hastiani, A.; Mansouri, N. & Amini, M. (2022). "Investigating the Impact of Economic Sanctions on Inflation in Iran (Fuzzy Approach)". *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 10(38), 187-235. [In Persian].

Eltejaei, E. (2020). "Investigating the Causality between Money and Inflation in Iran: A MS-VAR Approach". *New Economy and Trad*, 15(3), 3-26. [In Persian].

Esmaili, B. (2021). "Study of the Effect of Economic Growth and Government Spending on Inflation Rate Using the Soft Transition Regression (STR) Approach". *Economic Growth and Development Research*, 12(45), 130-115. [In Persian].

- Gelardi, A. M. (2014). "Value Added Tax and Inflation: A Graphical and Statistical Analysis". *Asian Journal of Finance and Accounting*, 6(1), 138-158.
- Ghafarian kolahi, S. H. (2019). "Investigating Value Added Tax Impact on Economic Growth (Case Study of Iran and Other Developing Countries)". *Journal of Tax Research*, 27(41), 106-135. [In Persian].
- Gupta, N. (2014). "Goods and Service Tax: It's Impact on Indian Economy". *International Research Journal of Commerce, Arts and Science*, 5(3), 130-137.
- Haroorani, H.; Farahanifard, S. & Sharifi, O. (2020). "The Impact of Extraordinary Inflation Expectations on Inflation in the Iranian Economy: A Quantile Regression Approach". *Journal of Iranian Economic Issues*, 7(2), 343-364. [In Persian].
- Hashemi dizaj, A.; Hazeri niri, H., & Samadzadeh, S. (2022). "The Impact of Monetary Policy on Inflation in Oil Developing Countries and Developed Countries". *Journal of Development and Capital*, 7(2), 213-232. [In Persian].
- Izadkhasti, H.; dadgar, Y. & Ghorbi, S. (2022). "Analysis the Relationship between Value Added Tax Performance with Inflation, Income Distribution and Government Capital Asset Ownership in Iranian Provinces". *Journal of Economic Research and Policies*, 29(100), 227-254. [In Persian].
- Kalas, B.; Mirovic, V. & Andrasic, J. (2018). "Empirical Analysis of Value Added Tax and Inflation Rate: Tuckey's HSD Test in Selected Western Balkan Countries". *Ekonomika, Journal for Economic Theory and Practice and Social Issues*, Society of Economists Ekonomika, Nis, Serbia, 64(2), 98-109.
- Karimi, M. Sh. & Dourbash, M. (2018). "The Study on the Effects of Direct and Indirect Taxes on Income Distribution Using the Generalized Method of Moments". *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 6(22), 47-68. [In Persian].
- Khanzadi, A. & Ghaderi, S. (2021). "Assessing the Impacts of Direct and Indirect Taxes on Private Investment in Iran". *Stable Economy Journal*, 1(1), 61-78. [In Persian].
- Komijani, A. & Naghdi, Y. (2008). "Analysis of the Production Effects in Industrial, Agricultural and Services Sectors on Inflation in Iranian Economy". *Journal of Economic Research and Policies*, 16(45), 59-85. [In Persian].
- Mahadianto, M. Y.; Siregar, N. F.; Rahayu, D. B.; Muna, A. & Musyaffi, A. M. (2019). "Could Economic Growth and Inflation Affect the Acceptance of Value Added Taxes?" In *1st International Conference on Economics, Business, Entrepreneurship, and Finance (ICEBEF 2018)*, 376-381.
- Mohammadi, T.; Mazhari moosavi, S. S.; Shakeri, A. & Arbab, H. R. (2019). "The Macroeconomic Effects of Tax Shocks in Iran: A Hybrid Identification Approach for SVAR Model with Emphasis of the Effects Timing". *Economic Strategy*, 8(31), 43-77. [In Persian].
- Mola-Esmaili dehshiri, H.; Pazhoyan, H.; Ghafari, F. & Hoseini, S. Sh. (2022). "Analyzing the Impact of Financial Policy (Total Income Tax) on Income Distribution in Selected OECD Countries". *Financial Economics*, 16(58), 93-108. [In Persian].

- Montazeri shoorekchali, J. (2020). "The Trade-Off between Direct and Indirect Taxes in Iran: Self-Exciting (SE) TAR Approach". *Journal of Econometric Modelling*, 5(1), 111-130. [In Persian].
- Moradi, F.; Jafari, M. & Fatahi, S. (2023). "The Effect of Economic Sanctions on Income Inequality in Iran; with Emphasis on Oil Revenues". *Public Sector Economics Studies*, 2(2), 151-170. [In Persian].
- Naderi, S. & Salatin, P. (2018). "Impact of Value Added Tax on Income Distribution in Middle-Income Selected Countries". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 6(24), 568-595. [In Persian].
- Nkoro, E. & Uko, A. K. (2016). "Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Cointegration Technique: Application and Interpretation". *Journal of Statistical and Econometric Methods*, 5(4), 63-91.
- Olatunji, O .C. (2013). "Value Added Tax and Inflation in Nigeria (1990-2003)". *Asian Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(1), 123-133.
- Rozbeh, F.; Khazdouzi, B.; Soltanpanah, H. Hasani, K. & Taher khoiani, K. (2014). "The Effects of VAT on Inflation in Iran's Economy in 2010". *Economic Research*, 14(3), 93-120. [In Persian].
- Saleh, S. A. (2010). "Non-linear Co-integration between Nominal Interest Rates and Inflation: An Examination of the Fisher Hypothesis for Asian Countries". *Global Economic Review*, 38(2), 143-159.
- Shamsolahi, R.; Zahedgharavi, M. & Asayesh, H. (2022). "The Effect of of Income Distribution Inequality on Government Education Expenditure in Iran's Economy: New Evidence from an ARDL Approach". *Stable Economy Journal*, 2(4), 136-157. [In Persian].
- Shokrinia, M.; Almasi, M. & Falahati, A. (2023). "Estimation of Tax Elasticities in Iran by Different Types of Taxes: A Non-Linear and Asymmetric Approach". *Public Sector Economics Studies*, 2(2), 135-150. [In Persian].
- Sobhanian, S. M. H.; Memarian, M. H. & Bahri, P. (2020). "The Effect of Value Added Tax on GDP growth In Iran". *Economic Strategy*, 9(35), 325-358. [In Persian].
- Tahsili, H. (2022). "The Impact of Exchange Rate Shock on Inflation in Iran's Economy: Application of the Threshold Vector Autoregression Model". *Iranian Journal of Economic Research*, 27(91), 257-285. [In Persian].
- Tavakoli, A.; Firouze, N. & Karimi, F. (2015). "The Effect of Exchange Rate Fluctuations on Economic Growth and Inflation, 1340-1388". *Journal of Development Economics and Planning*, 4(1), 1-36. [In Persian].